

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ جنوری ۲۰۲۰

سوانح طبیعی محصول "قهر طبیعت" است و یا چپاولگری انسان؟؟

یکشنبه- ۲۲ جدی ۱۳۹۸- کابل: یادداشت امروز را به بحث پیرامون ده ها کشته و زخمی و وارد شدن میلیونها افغانی خسارات به مردم و دهقانان فقیر کشور ما اختصاص داده ام که ظاهراً به وسیله "قهر طبیعت" از بین رفته اند: از دو روز بدین سو، در تمام رسانه های کشوری، یگانه خبر در سر خط اخبار، قلم فرسائی در مورد "قهر طبیعت" است، در جایی می خوانیم که به علت ریختن سقف یک خانه، ۶ تن کشته شده اند، در جای دیگر از آمدن سیل در هلمند و ولسوالی کجکی گزارش شده از چندین کشته و زخمی یاد می کنند و در جای دیگر هم از کشته شدن ۶ عضو یک خانواده با ریختن سقف یک خانه در هرات می نویسند. به این اخبار هم قناعت ننموده از بندش راه ها بین کابل - قندهار، قندهار- هرات، بامیان با کابل و تمام ولسوالی هایش، سالنگها و ... سخن زده می شود. در این هجوم رسانه ئی گسترده، چنان وانمود می گردد که گویا اولاً در افغانستان دیگر ماشین سرکوبی به نام نیروهای اشغالگر و نوکران زرخرید شان به نام نیروهای امنیتی دولت دست وجود ندارد و در ثانی انسان آزمند پرورش یافته در جامعه طبقاتی و فرهنگ سرمایه، هیچ نقشی در ایجاد فضائی که ما از آن به نام "قهر طبیعت" یاد می کنیم، نداشته اند. در حالی که:

۱- تبلیغات گسترده در مورد "قهر طبیعت" و با بوق و سرنا آن را بزرگ نمائی کردن، اولین هدفی را که تعقیب می نماید، تلاش در جهت انحراف فکری مردم از آن چه در افغانستان اشغال شده و مقهور استعمار و ارتجاع به خصوص پایتخت آن شهر کابل می گذرد، به سمت دیگری می باشد.

این مسأله را از لحاظ زمانی می توان به وضاحت مشاهده نمود، چه به دنبال کشته شدن چندین نفر در شهر کابل در اثر سرقت های مسلحانه، ترور یکی از جنگسالاران توسط ریاست امنیت ضد ملی، بمباران شیندند که طبق احصائیه های اخیر بیش از ۵۰ کشته و ۷۰ زخمی به جای گذاشته است و از همه مهمتر حرکت خود جوش "کابل امن نیست" از طریق مدیای مجازی، علی رغم کارشکنی ها و سنگ اندازی عمال دولت دست نشانده، امپریالیسم و ارتجاع حاکم را بر آن داشت تا قبل از آن که حرکات مشابهی پایه بگیرد و حاکمیت را زیر سؤال ببرد، باید یک "بز بلاگردان" یافته، وی را با تمام قدرت تبلیغاتی مسؤول معرفی بدارند.

اینجاست که در یک حرکت هماهنگ و جمعی، تمام رسانه ها شروع می کنند به این که طبیعت را دشمن اصلی معرفی نموده و نام دولت دست نشانده و نیروهای اشغالگر و ارتجاع هار مذهبی و ساختار اقتصادی-اجتماعی غارتگرانه

طبقاتی را از سرخط اخبار دور نمایند. امری که تا حد زیادی موفق هم می باشند. چنانچه در دو روز گذشته شما کمتر مصاحبه و گزارشی دارید از جنایات بشری امپریالیسم و ارتجاع و هر چه می خوانید و می بینید، بر می گردد به گویا "قهر طبیعت". این قهر چنان بزرگنمایی می گردد، تو گوئی اگر آسمان صاف شود و برف و باران خاتمه یابد، افغانستان بهشت برین می باشد، نه سقّی از نادارای و فقر فرود می آید و نه هم کسی را آب خواهد برد در حالی که همه می دانیم چنین نیست و تا زمانی که امپریالیسم و ارتجاع مقدرات ما را تعیین می دارند، چنین هم نخواهد شد.

۲- خلاف تصور و تبلیغات لگام گسیخته رسانه های وابسته به امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی، طبیعت نه تنها دشمن انسان نیست، بلکه همین طبیعت با تمام عرض و طول آن بهترین و یگانه دوست پیدایش و ادامه حیات اعم از انسان، حیوان و نبات می باشد. این که در تمام کائنات در چه تعداد از کپکشانها و در چه تعداد از منظومه ها حیات وجود دارد، تا هنوز برای ما روشن نیست، مگر آنچه مسلم است در منظومه شمسی خودما، بر مبنای فهم امروزی ما زمین تنها سیاره ایست که بستر پیدایش حیات را مساعد ساخته است. لذا در اساس با در نظر داشت چنین منظری، طبیعت را که خالق ماست دشمن دانستن، از آن جهالت ها و کلاهبرداری هائیکه که نمونه های آن را می توان صرف در جوامع بدوی و عقب مانده ای مانند افغانستان مشاهده نمود.

در طبیعت منظور ما کره زمین می باید باران وجود داشته باشد، سیلابها وجود داشته باشد، برف و برف کوچ، زلزله و آتشفشان وجود داشته باشد، تمام این فعل و انفعالات به معنای زنده بودن کره زمین است، کره زمین یک جرم سماوی مرده، فاقد تکتونیسیم و دیاستروفیسیم نیست، بلکه جرمی است زنده و هنوز متأثر از تمام آن فعل و انفعالات تکتونیک؛ آنچه حیات را بر روی کره زمین به مخاطره می اندازد تشبثات بی جای، آزمندان و حماقت آمیز انسان است بر روی روی زمین.

وقتی انسان پرورش یافته در فرهنگ سرمایه به منظور آزمندی خود، تغییری را در سطح زمین باعث می گردد و شکل آن را خلاف شکل صد ها میلیون ساله اش، تغییر می دهد، اینجا دیگر طبیعت ملامت و محکوم نیست که عملکرد طبیعی اش را مطابق خواست و اراده انسان تغییر نداده و باعث ویرانی و کشتار انسانها گردیده است. به صورت مثال وقتی بند برقی به مانند بند برق کجکی و یا یک پروژه ساختمانی دیگر ساخته می شود و در عمل تغییری را در سطح زمین به وجود آورده ده ها و صد ها آبریز طبیعی را فدای ساختمانهای خود می کنیم، اگر سرک می سازیم متوجه سیل بره های طبیعی نیستیم و با زدن دکه ها در تلاشیم تا مالکیت خود را حفظ نماییم، نباید از این شاکی باشیم که چرا وقتی آب جریان یافت و در جایی متراکم شد، و در نهایت سیل آسا دکه های ما را ویران نموده در همان مسیری که می خواهد، زمین اطرافش را جاروب می نماید.

هموطنان گرامی!

در تمام این موارد، این طبیعت کشور ما، سنگ آن، چوب آن، باران و برف آن مسؤول نیستند که سبب نابودی و بربادی می گردند، این انسانها در کل و به صورت اخص حاکمیت هستند، که غیر مسؤولانه و جهت برآورده ساختن منافع حقیر شان، با تغییرات نسنجیده، باعث بروز چنین سوانح طبیعی می گردند.

هموطنان گرامی!

تضاد بین انسان و طبیعت فقط زمانی عمده می گردد که تضاد بین ساختار های اقتصادی اجتماعی یا به عبارت دیگر تضاد بین کتله های اجتماعی با از بین رفتن طبقات و مبارزه طبقاتی از بین برود. تا آنزمان این را باید بدانیم که اگر سیل و یا طوفان از ما قربانی می گیرد، همه به علت روابط دشمنانه ایست که استعمار و ارتجاع بین انسان و طبیعت به

وجود آورده است. فریب تبلیغات رسانه های وابسته به استعمار و ارتجاع را نخورده، دولت دست نشانده و بادرانش را از مگسک تفنگ ما دور نسازیم.

سرکها ما را می طلبد!!